

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباراد  
بین بوم و بر زنده یک تن مباراد  
همه سر به سر تن په کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

Iran's M.

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

آسیله ایران

شهریور ۱۴۰۰  
۲۹ اکتوبر ۲۰۱۸

## اعتراضات و اعتصابات سراسری، نماد مخالفت همگانی

اعتراضات و اعتصابات کارگری و توده ئی، یکی پس از دیگری بر فضای جامعه ایران سایه انداخته است. ماهیت همه آنها و من حیث المجموع یکیست. همه از سرگرانی و ناتوانی در تهیه نیازهای اولیه زندگی است. همه آنان شبانه روز در تقلاه‌اند تا چند روزی در آورند. همه از غارت و از چیاول اموال عمومی از جانب سردمداران نظام می‌نالند و جان همه آنان، از دست رژیم غارتگری همچون جمهوری اسلامی به لب شان رسیده است و حاضر به تحمل یک ثانیه ای جرثومه‌های فساد و تباہی، همچون خامنه‌ای، روحانی و دیگر مفت‌خواران نیستند. انتشار بیانیه‌های پیپایی و بیان خواسته‌های روشن و به دنباله طرح شعارها و حمل پلاکاردهای صنفی - سیاسی، گوبای آن بخش کوچک از حقایقیست که میلیون‌ها انسان دردمد با آن‌ها رودرو اند.

چهل سال آزگار است که سران نظام، جامعه را به منجلاب کشانده اند و بار بحران اقتصادی را، بر دوش سازندگان اصلی آن سرشکن کرده اند و در عوض عده ای اندک - و آن‌هم بدون کمترین خاصیت و مشکلاتی -، به زندگی انگل وارشان ادامه می‌دهند و سرمایه‌های مملکت را به جیب می‌زنند. میلیاردها تومنان توسط سران نظام و دیگر جیره خواران ریز و درشت‌شان، به غارت بُرده می‌شود و به جای آن میلیون‌ها کودک از رفقن به سر کلاس‌ها و فراگیری دانش باز مانده اند. تورم بسیار بالاست و حقوق‌ها هم تراز با آن نیست و هرگونه مخالفت با سیاست‌های استثمارگران و چیاولگران، هم‌معنی با تهدید، دستگیری و اخراج است. در حقیقت مدت طولانی و از زمان بر سر کار گماری رژیم جمهوری اسلامی توسط قدرت‌مداران بزرگ بین‌المللی است که چنین زندگی خانه خرابکنی را جانیان بشریت به کارگران، زحمت‌کشان، زنان، پرستاران، معلمان، رانندگان، بازنشستگان و خلاصه به همه و همه، تحمل نموده اند. به سُخن دیگر اوضاع جامعه به مراتب درب و داغان‌تر از آن است که از جانب ارگان‌های تبلیغاتی نظام به بیرون مخابره می‌شود؛ نمایان است که ارگان‌ها و رسانه‌های جمعی وابسته به دولت، بیش از نیمی از نارسانی‌های اقتصادی - سیاسی و اجتماعی جامعه خفاقت‌زده را، در پس پرده نگه داشته اند و مانع درز آن به بیرونند. اگرچه انتشار جسته و گریخته نابسامانی‌های جامعه توسط دم و دستگاه‌های تبلیغاتی وابسته به نظام، به نوبه خود نمایانگر این واقعیات است که، مشغولیات سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، نه تنها نظم و ترتیب دادن زندگی معلمان، جوانان، زنان، کودکان و بازنشستگان نیست، بلکه با تمام توان در تلاش‌ند تا به تنمه‌های کارگران و زحمت‌کشان تعرض نمایند.

در همین رابطه و بیهوده نیست که رقم اعتراضات و اعتصابات از شمارش افتاده است و جامعه، روزانه شاهد تحرکات خیابانی و به دنباله شاهد طغیان و به پاکاستن دردمدنان علیه ناعالتی‌های دستساز حاکمان می‌باشد. دهه هاست که کارگران به وضع موجود مُتعرض اند و نه تنها صاحبان تولیدی و سرمایه داران، حقوق ناچیزشان را نمی‌دهند بلکه پایه ئی ترین خواسته‌های آنان را با زور و با ضرب و شتم پاسخ می‌دهند. متوفانه چنین اوضاع و رفتاری به امری عادی در ایران زیر سلطه سرمایه تبدیل شده است. براستی که جامعه ایران به میدان و به صحنه صف آرائی دو عنصر و دو طبقه مخالف با هم مبدل شده و لحظه‌ای ندای اعتراضی و طرح مطالبات و درخواست‌های بحق کارگران و دیگر زحمتکشان خاموش شدنی نیست و با غلطی هر بیشتر، در سرتاسر جامعه طنین انداز می‌شود.

همین چند روز قبل و در تداوم اعتراضات و اعتصابات بود که یک راننده زحمتکش شرکت واحد اصفهان در حضور اعضای شورای شهر و شهردار فریاد می‌زند که: "ما گرسنه ایم و حقوقمان عقب افتاده و حق اعتراض داریم"، و در ادامه از عدم تحقق خواسته‌های رانندگان و همچنین از چپاول اموال توسط اعضای شورای شهر و شهردار و سفرهای میلیونی آنان برای تقریح و خوشگذرانی می‌گوید. یا این که معلمان به طور همگانی و در اعتراض به گرانی و تورم، پولی‌سازی آموزش، پائین بودن حقوق و دستمزد، نقض حق تحصیل رایگان و عمومی، نایمنی و غیر ستاندارد بودن مدارس، عدم برخورداری از یک بیمه کارآمد، عدم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری و نارسانی‌های متعدد دیگر و همچنین آزادی معلمان بازداشت شده دست به اعتساب زند؛ اعتسابی که دامنه آن به ده‌ها شهر کشیده است؛ اعتسابی که باعث گردیده است تا بازنیستگان و دانشجویان و دیگر استثمار شوندگان، به حمایت از خواسته‌های بحق آنان به پاچیزند. صاف و ساده می‌توان گفت که عل اصلی آن، به عدم پاسخ‌گوئی بحق معلمان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی و همچنین به بُحران دستساز سرمایه داران بر می‌گردد؛ بُحرانی که جامعه ایران را به تار موئی بند نموده است و بی‌تردد و در این‌میان، کوچکترین دخالتگری‌های سازمان‌یافته توأم با برنامه کمونیستی و انقلابی، می‌تواند سبب زیر و رو شدن شالوده نظام سرکوبگر ایران گردد.

بقیناً زمینه‌های تحرک و به پاکاستن کارگران و زحمتکشان، معلمان، دانشجویان، زنان و همه ستم‌دیدگان و استثمار شوندگان، بسیار بالاست و در این رابطه هم نظام، کاملاً بر فضای کنونی و نیز از اوضاع و خیم جامعه و از نارضایتی میلیون‌ها کارگر و زحمتکش اشراف کامل دارد، اما و در عوض یگانه جوابش، تعرض به بدیهی ترین مطالبات آنان است. نظام تعرض می‌کند و مردم همچنان برای کسب درخواست‌های پایه‌ئی شان، در خیابان‌ها با ارگان‌های مدافع وی در جنگ و جدال اند. نظام وحشیانه در پی حمله به قربانیان نظام است و در مقابل، اصناف دیگر و آن‌هم با حمایت از اعتساب کنندگانی همچون رانندگان، سردمداران رژیم را به نبرد فرا می‌خوانند. حمایت‌هایی که قابل کتمان و یا تفسیر سوء و غلط نیست. حمایت بی‌دریغ و عملی از فراخوان‌های اعتساب کنندگان و به موازات آن، بی‌اعتئاضی به تهدیدهای ارگان‌های سرکوبگر نظام از جانب محروم‌ان، نماد آمادگی و رودرروئی بلند بالای سازندگان اصلی ثروت‌های جامعه با مدافعان سرمایه و حاکمان ظالم می‌باشد. براست میادین استثمار و چپاول و خیابان‌های ایران برای سرمایه داران و همه مدافعانش ناآرام شده است. تلاقي و تنش‌ها، دائمی و دو سوی جنگ و جدل روشن است و در این بین، یکی در پی تغییر وضع کنونی است و دیگری با چنگ و دندان و با اتخاذ سیاست‌های محیله و سرکوبگرانه، به دنبال کنترول وضع موجود می‌باشد. به طور نمونه و این روزها دکانداران به حمایت از رانندگان، در دکان‌های شان را می‌بنند؛ دانشجویان با تجمعات خود شعار "علم، اتحاد، اتحاد" سر می‌دهند؛ بازاریان به حمایت از رانندگان بر می‌خیزند و خلاصه دانش آموزان به حمایت از معلمان بر می‌خیزند و از رفتن به سر کلاس‌ها سر باز می‌زنند و در

چهارچوبه اوضاع ناهنجار تحصیلی و گرانی وسائل آموزشی و همچنین نسبت به بی عدالتی‌های موجود درون جامعه فریاد بر آورده که: "ما آدمیم که بفهمند نسل ما نسلی نیست که ساکت باشیم و هر غلطی که خواستد بکنند". آری، این سیمای جامعه در هم ریخته و دست‌ساز سردمداران رژیم جمهوری اسلامی است. جامعه ای که به نله مرگ برای میلیون‌ها انسان و کودک و پیر و جوان تبدیل گشته است و هر روز، جان صدها تن از آنان را می‌گیرد و هزاران تن دیگر را، به مسیر بی‌آیندگی و تباہی کامل سوق می‌دهد. پیداست که چنین وضعیتی و متعاقباً چنین رویدادهای عملی - و اعتراضی - درون جامعه، امری طبیعی و معمولی به حساب خواهد آمد؛ پیداست که اعتراضات و اعتصابات به مرحله و به پله ای تازه تر شیفت خواهد کرد؛ پیداست که اعتراضات و اعتصابات بخش‌های متفاوت جامعه، صرفاً در چنبره صنف خودی گیر نخواهد کرد و پیداست که هر یک از آنان - و به سهم خود -، بر بارِ همگانی تر شدن اعتراضات و اعتصابات می‌افزاید و رژیم را با مخاطرات بیشتری رودرزو می‌سازند. بدین ترتیب همه اینها، نمایانگر گذری دیگر از مراحل تحرکات اعتراضی میلیون‌ها توده دربند، به مرحله ای بالاتر اعتراضات کارگری و توده ئی، علیه اجحافات و بیدادگری‌های سردمداران رژیم جمهوری اسلامی است. تردیدی نیست که یگانگی و همگانی تر شدن اعتراضات و اعتصابات، از ضرورت‌های اولیه و نیز لازمه هرگونه تعرض به حیات حاکمان ظالم و سرمایه داران منفعت طلب می‌باشد و به موازات آن‌ها هم باید بر این نکته اساسی و مهم دقت نمود که، بدون حاکم بودن برنامه‌های روشن و هدفمند، بر سرِ اعتراضات و اعتصابات بخش‌های متفاوت جامعه و مهمتر از همه این‌ها بدون هدایت سالم و هدفمندِ کمونیستی، جنبش‌های اعتراضی از ثمرة لازمه و مکفی بدور خواهد ماند. به این دلیل روشن که طبقه سرمایه داری وابسته ایران، با برنامه، سازمانیافته و در برابر طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان منسجم است و پس، بایسته و شایسته است که مخالفان آن، حول برنامه روشن و سازمانیافته، پرچم سازمان متناسب با زمانه را علم نمایند و از دامنه نافرجامی‌های جنبش‌های اعتراضی بکاهند و سر آخر، نظام هرزه و پوسیده را بزیر کشند و به جای آن، سیستم و مناسبات سالم و عاری از هر گونه اجحاف، نابرابری، توهین و تحقیر را جایگزین نمایند.

بالاخره تغییر بنیادی وضعیت کنونی، در گرو عروج سازمان کمونیستی در درون است. سازمانی که پیش‌پیش جنبش‌های اعتراضی قرار گرفته و آنان را حول سیاست‌های معین و روشن، سازمان دهد. لازم است تا شور اعتراضی میلیون‌ها کارگر و زحمتکش و همه قربانیان نظام امپریالیستی را به شعور طبقاتی و کمونیستی تبدیل نمود و به این ترتیب، بساط استثمارگران و غارتگران را بر چید. گفتنی است که تاکنون بخش‌های متفاوت ستمدیده جامعه، وظیفه و دین اعتراضی و حمایتی خود را در قبال مطالبات بحق شان و همچنین در برابر خواسته‌های همقطاران‌شان اداء نموده اند و توقع و وام خواهی بیش از این از آنان جایز نیست. به زبان مبرهن جنبش‌های اعتراضی نیازمند پادرمیانی عملی نمایندگان سیاسی خود در مقابل طبقه سرمایه داری و تمامی ارگان‌های حافظ بقای آن می‌باشند. با این اوصف مسیر چرخه و میدان خسaran‌ساز کنونی، تنها و تنها با حضور نیروهای مدافعان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، تغییر خواهد کرد و بیش از این نباید اجازه داد تا خواسته‌ها و مطالبات میلیون‌ها انسان دردمدند، در برابر زیاده خواهی‌های استثمارگران و ظالمان هدر رود. پس انتظاری فراتر از آنچه را که کارگران، زحمتکشان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی تابه حال انجام داده، بنادرست و به معنای شانه خالی کردن از بارِ وظایف سازمانی - کمونیستی خودی است. شکی در آن نیست که به سر انجام رساندن انقلاب ایران به مانند دیگر انقلابات به وقوع پیوسته، در گرو پیشووان آن و همچنین در گرو سلط و چیرگی تئوری کمونیستی بر روی جنبش‌های اعتراضی کارگری و توده ئی است.